



Environmental Analysis of the Third Generation of Human Rights with an Emphasis on the Guarantee of Implementation

Farideh Mansourkhani¹, Seyyed Baqer Mirabbasi^{2*}, Abu Mohammad Asgarkhani², Maryam Moradi³

1. Department of International Law, Qeshm International Unit, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. International Department, Qeshm International Unit, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The approach of the third generation of human rights towards the environment and guaranteeing the implementation of environmental protection is one of the important issues to be investigated in the present paper.

Method: This paper is descriptive and analytical, using the library method, and it investigated the above-mentioned subject and the data was collected by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, the originality of the text, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: For damage to the environment, punishments such as compensation, financial fine, and restoration to the previous situation have been considered. The guarantees of civil and administrative actions in the field of environmental damages are not able to fully compensate the damages caused to the environment and its human victims. In other words, financial fines have not been able to deter environmental violations. Therefore, this inefficiency has been taken into consideration by applying criminal law as a supplement to the guarantee of existing implementations. In Iran's laws, punishments such as fines and imprisonment have been determined for environmental destruction as a guarantee of execution, but the determined punishments, especially the amount of fines, do not have sufficient deterrence.

Conclusion: The international community has noticed the use of the guarantee of criminal implementation in the protection of the environment in the international arena, and it has brought the criminal mechanism into the field of international environmental law in a limited way, but it faces the challenges, such as classical and sovereignty-oriented international law, the nature of the environment itself as well as the limitations of criminal law. In Iranian law, it is necessary to determine a more efficient criminal guarantee as a surety for criminal execution.

Keywords: Third Generation of Human Rights; Environment; Implementation Guarantee

Corresponding Author: Seyyed Baqer Mirabbasi; **Email:** smirabbasi41@gmail.com

Received: August 26, 2022; **Accepted:** November 13, 2022; **Published Online:** July 15, 2023

Please cite this article as:

Mansourkhani F, Mirabbasi SB, Asgarkhani AM, Moradi M. Environmental Analysis of the Third Generation of Human Rights with an Emphasis on the Guarantee of Implementation. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e15.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

تحلیل زیست‌محیطی نسل سوم حقوق بشر با تأکید بر ضمانت اجرا

فریده منصورخانی^۱، سیدباقر میرعباسی^{۲*}، ابومحمد عسگرخانی^۲، مریم مرادی^۳

۱. گروه حقوق بین‌الملل، واحد بین‌الملل، قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. گروه بین‌الملل، واحد بین‌الملل، قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: رویکرد نسل سوم حقوق بشر نسبت به محیط زیست و ضمانت اجرای حمایت از محیط زیست از موضوعات مهمی است که در این مقاله تلاش شده مورد بررسی قرار گیرد.

روش: مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته و جمع‌آوری داده‌ها، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: برای آسیب به محیط زیست مجازات‌هایی چون جبران خسارت، جریمه مالی و اعاده به وضع سابق در نظر گرفته شده است. ضمانت اجرای مدنی و اداری در حوزه خسارات‌های زیست‌محیطی قادر به جبران کامل خسارات وارده به محیط زیست و قربانیان انسانی آن نمی‌باشند. به عبارتی جریمه‌های مالی نتوانسته است بازدارنده در مقابل نقض‌های زیست‌محیطی باشد، لذا این ناکارآمدی با به کارگیری حقوق کیفری به عنوان امری مکمل در کنار ضمانت اجرای موجود مورد توجه قرار گرفته است. در حقوق ایران نیز برای تخریب محیط زیست مجازات‌هایی مانند جزای نقدی و حبس به عنوان ضمانت اجرا تعیین شده است، اما مجازات‌های تعیین شده به ویژه میزان جزای نقدی، از بازدارندگی کافی برخوردار نیست.

نتیجه‌گیری: جامعه بین‌المللی متوجه بهره‌گیری از ضمانت اجرای کیفری در حمایت از محیط زیست در عرصه بین‌المللی شده و هرچند محدودساز و کار کیفری را وارد حوزه حقوق محیط زیست بین‌الملل کرده است، اما این امر با چالش‌هایی مانند حقوق بین‌الملل کلاسیک و حاکمیت‌محور، ماهیت خود محیط زیست و همچنین محدودیت‌های حقوق کیفری مواجه است. در حقوق ایران نیز لازم است ضمانت کیفری کارآمدتری به عنوان ضمانت اجرای کیفری تعیین شود.

واژگان کلیدی: نسل سوم حقوق بشر؛ محیط زیست؛ ضمانت اجرا

نویسنده مسئول: سیدباقر میرعباسی؛ پست الکترونیک: smirabbasi41@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mansourkhani F, Mirabbasi SB, Asgarkhani AM, Moradi M. Environmental Analysis of the Third Generation of Human Rights with an Emphasis on the Guarantee of Implementation. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e15.

مقدمه

وابستگی روزافزون و متقابل جهانی، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را فراروی جامعه انسانی قرار داده است که از آن‌ها می‌توان به عنوان علایق مشترک بشری یاد کرد. این علایق مشترک بشری، امروزه در کنار نسل‌های اول و دوم حقوق بشر در قالب نسل سوم حقوق بشر با عنوان حقوق همبستگی در جامعه بین‌المللی مطرح گردیده‌اند. مشخصه حقوق همبستگی توجه به بعد جمعی زندگی بشر است. ارزش‌هایی که با این حقوق مورد حمایت قرار می‌گیرد، به فرد خاصی تعلق ندارد، بلکه خیرها و منافع نظیر صلح، توسعه و محیط زیست سالم هستند که قابل تقسیم به خیرهای فردی نیستند و همه باید به طور جمعی از آن‌ها متمتع شوند. نکته قابل توجه این است که آدمی هنگامی می‌تواند به اهداف خود دست یابد که شرایط زیست‌محیطی و محیطی که در آن به زندگی می‌پردازد، اجازه چنین دستیابی را به او بدهد. این امر نشان از اهمیت محیط زیست سالم و جایگاه تأثیرگذار آن در زیست بشر است. بر همین اساس سال‌هاست که محیط زیست به عنوان یک ارزش انسانی و اخلاقی به ویژه امروزه شناخته شده و جزء مهم‌ترین منابع انسانی محسوب می‌شود و باید حفاظت و حمایت از آن صورت بگیرد. تاکنون کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی بسیاری تدوین شده است و حقوق محیط زیست جزء حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و حفاظت از آن جزء ضرورت‌ها و اولویت‌ها به حساب می‌آید، اما امروزه مشکلات زیست‌محیطی به دلیل اینکه بدو حیات انسانی را مورد هدف قرار داده، نه تنها آرامش و امنیت زندگی او را بر هم زده، بلکه موجودیت او را هم در معرض تهدید و خطر قرار داده است. حیات انسانی از سویی به صورت گریزناپذیر به محیط زیست وابسته است و از سویی همین انسان در فرایند توسعه، قوانین را نقض کرده و دست به اعمالی می‌زند که نه تنها محیط زیست را به نابودی می‌کشاند، بلکه حیاط انسان را نیز با مخاطره رو به رو می‌سازد. به همین دلیل حقوق بین‌الملل سعی کرده است تا با به کارگیری ابزارهای در دست و مؤثر مانع این خسارات گردد. مبدأ حفاظت زیست‌محیطی

بین‌المللی با کنفرانس استکهلم آغاز شد، البته این بدان معنی نیست که قبل از آن هیچ اقدام بین‌المللی در این خصوص صورت نگرفته است. هر فعالیتی که به محیط زیست آسیب برساند، حتی اگر این فعالیت تحت عنوان پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی انجام شود، نقض حق اساسی بشریت، یعنی نقض حق حیات است. آلودگی باعث برهم‌خوردن ترکیبات آب، هوا و خاک و کیفیت آن‌ها می‌شود که در نتیجه کیفیت و استاندارد زندگی و حیات سالم کاهش می‌یابد. بنابراین توجه و تأکید به هم‌پیوستگی موضوعات محیط زیستی و تحقق حقوق بشر در دوران جدید از صراحت بیشتری برخوردار شده و همبستگی موضوعات محیط زیستی با حقوق اساسی انسان‌ها سؤالاتی از این قبیل را به ذهن متبادر می‌سازد که تحلیل نسل سوم حقوق بشر از منظر محیط زیست چگونه قابل تحلیل بوده و ضمانت اجرای مدنی و کیفری حمایت از محیط زیست به عنوان یکی از عناصر مهم حقوق بشر چیست؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که «محیط زیست یکی از عناصر تعیین‌کننده نسل سوم حقوق بشر بوده و علیرغم ضمانت اجرای مدنی و تا حدی کیفری در حمایت از محیط زیست در عرصه بین‌المللی، ضمانت اجرا در این خصوص با چالش‌هایی مواجه است.» به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا به بحث نظری پرداخته شده و در ادامه ضمانت اجرای مدنی و کیفری و چالش‌های پیش رو در این خصوص مورد بحث قرار گرفته است.

روش

مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته و جمع‌آوری داده‌ها، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

برای آسیب به محیط زیست مجازات‌هایی چون جبران خسارت، جریمه مالی و اعاده به وضع سابق در نظر گرفته شده

اولویت برای بشریت است» (۵). با بررسی برخی از مصادیق حقوق بشر (مثل حق حیات و نیازهای اولیه برای حیات، حق بر سلامت) می‌توان دریافت که تحقق کامل و دقیق آن‌ها خود مستلزم این است که محیط زیست سالم به عنوان مؤلفه اساسی توجه گردد، فلذا اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی با عنوان اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲ م.) در خصوص محیط زیست درباره پیوند حقوق بشر و حقوق محیط زیست اینطور بیان می‌کند: «انسان از حقوق بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی باحیثیت و سعادت‌مندانانه را بدهد، برخوردار است، او رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده را به عهده دارد.» مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ اعلام داشت که: «تمامی افراد مستحق زندگی در یک محیط مناسب برای داشتن سلامت و رفاه می‌باشند»، نهایتاً اعلامیه ریو (۱۹۹۲ م.) در اصل یکم خود اشاره داشته که: انسان مرکز توجهات توسعه پایدار است و آن‌ها حق خواهند داشت از زندگی سالم و هماهنگ با طبیعت بهره‌مند باشند. مطابق این اسناد، بشر حق آمیخته با تکلیفی را به منظور استفاده از محیط زیست دارد و حمایت قانونی از حقوق بشر به طوری فزاینده، وسیله‌ای در جهت دستیابی به حفاظت محیط زیست است. آنچه در این تحقیق بررسی می‌شود بررسی نقض مقررات بین‌الملل محیط زیست از منظر نسل سوم حقوق بشر است. گسترش آلودگی‌ها در همه انواع آن موجب تحرک دولت‌ها برای نشان‌دادن عکس‌العمل در برابر این میزان آلودگی‌ها فرامرزی گردیده و این حقوق دیگر جنبه اعلامی ندارد، بلکه به نوعی، اعلام و اظهار وجود حق است که زیرمجموعه حقوق همبستگی بوده و راه‌حلی را می‌طلبد که حائز سه ویژگی حیاتی، فوری و جهانی می‌باشند و نباید اختلافات سیاسی و اقتصادی کشورهای جهان سوم و دول صنعتی بهانه‌ای برای فرار از ایفای تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی باشد، چراکه حفاظت از میراث جهانی محیط زیست، یک تعهد انسانی و جمعی است (۶). اینجا دیگر منافع جمعی کشورها مطرح است و

است. ضمانت اجرای مدنی و اداری در حوزه خسارات‌های زیست‌محیطی قادر به جبران کامل خسارات وارده به محیط زیست و قربانیان انسانی آن نمی‌باشند. به عبارتی جریمه‌های مالی نتوانسته است بازدارنده در مقابل نقض‌های زیست‌محیطی باشد، لذا این ناکارآمدی با به کارگیری حقوق کیفری به عنوان امری مکمل در کنار ضمانت اجرای موجود مورد توجه قرار گرفته است.

بحث

۱. نسل سوم حقوق بشر و محیط زیست: کارل وسک (Karl Vesk) در سال ۱۹۷۲ برای نخستین بار اصطلاح حقوق همبستگی را در گزارشی که به منظور پیشنهاد شناسایی حقوق بین‌المللی بشر تنظیم کرده بود، به کار برد. کاستی‌های موجود در محتوای نسل اول و دوم از قبیل «عدم توجه به حقوق غیر از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، موجب پیدایش نسل جدید حقوق بشر شد که تمامی کشورهای جهان در منزلت آن به اجماع رسیده‌اند» (۱). به تدریج این دسته از حقوق بعد از سال ۱۹۷۰ در بسیاری از قوانین کشورها جایگاه شایسته خود را یافت، از جمله کشورهای اوکراین، مجارستان، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، پرو، فیلیپین و پرتغال، فرانسه (۲) نسل سوم حقوق بشر، حقوقی هستند که از برادری بدیهی بشر و همبستگی ضروری آن‌ها ناشی می‌شود. حقوقی که بشر را در جهان نامتناهی متحد خواهد نمود. حقوق همبستگی، نیروی بسیج‌کننده همه بشریت است و برای تأسیس یک نظام حقوق بین‌الملل پاسخگو، گریزناپذیر است. وی تأکید دارد که این حقوق به مسائل و چالش‌های جدید پاسخ می‌دهند. در مقابل دولت قابل استناد و مطالبه هستند و تنها از طریق تلاش دسته‌جمعی همه بازیگران صحنه اجتماعی نظیر افراد، دولت‌ها و گروه‌ها صورت خارجی پیدا می‌کنند (۳). حق بر توسعه، حق بر صلح و حق داشتن محیط زیست سالم از مهم‌ترین عناصر نسل سوم حقوق بشر است (۴). در واقع «دفاع از محیط زیست و بهبود آن برای نسل‌های حال و آینده هدفی دارای

حفاظت از محیط زیست، حفاظت از آینده پیش روی بشر می‌باشد (۷). بشریت در تلاش برای فهم این است تا درک کند چگونه باید همراه با صلح و سازگاری با جهان هستی زندگی کند و نقش مؤثری در حفاظت از محیط زیست داشته باشد. توسعه حقوق محیط زیست یکی از روش‌هایی است که به وسیله آن انسان می‌تواند به عنوان پاسداری حقیقی در حفاظت از کره زمین تلاش کند و حمایت خوبی از طبیعت و منابع طبیعی بر روی کره زمین ایجاد کند. بارها و باران‌ها بر روی نقاط مختلف کره زمین در حال وزیدن و بارش است و بسیاری از ملت‌ها و کشورها و اقیانوس‌ها را دربر می‌گیرد. آب و هوا نیز یک مسأله مشترک برای مردم جهان است. گونه‌های مهاجر پرندگان و ماهی‌ها به صورت مداوم در حال جا به جایی هستند و با زیست‌گاه‌های مختلفی از قبیل تالاب‌ها، مناطق ساحلی و... برخورد می‌کنند و این مسأله روشن است که هیچ کس به تنهایی نمی‌تواند محیط زیست را کمک و از آن محافظت کند.

۲. ضمانت اجرای مدنی محیط زیست محیط در حقوق

بین‌الملل: امروزه التزام به جبران خسارت زیست‌محیطی بر اساس قواعد عام مسئولیت بین‌المللی، به عنوان اصل مبنایی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست مورد شناسایی واقع شده است (۸). صرف نظر از تعیین و ارزیابی خسارت زیست‌محیطی، شیوه‌های جبران چنین خساراتی نیز یکی دیگر از موانع پیش روی حقوقدانان بین‌المللی است. پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی، سال ۲۰۰۱، در ماده ۳۴ خود، شیوه‌ای عام جبران خسارت در حقوق بین‌الملل را به شرح ذیل بیان می‌کند: «جبران خسارت کامل زیان ناشی از عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی می‌تواند به شکل اعاده به وضع سابق، غرامت، جلب رضایت زیان‌دیده، به تنهایی یا ترکیبی از این‌ها باشد» (۹). در خصوص قابلیت اعمال چنین شیوه‌هایی باید گفت، اگرچه شیوه‌های سنتی جبران خسارت در حقوق بین‌الملل عرفی برای خسارت وارده به شخص و یا اموال طراحی شده‌اند و از این رو به نظر

می‌رسد کارایی لازم را در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست نداشته باشند، با این وجود در این گرایش از حقوق بین‌الملل نیز همانند حقوق بین‌الملل عرفی، هدف اولیه جبران خسارات، اعاده وضع به حالت سابق و در واقع احیای محیط زیست در معرض خسارت است و منظور از اقدامات اعاده‌کننده، اعمالی است وضعیت محیط زیست را به زمان پیش از بروز آلودگی برگرداند، البته در صورتی که امکان عملی چنین بازگشتی ممکن باشد. یکی دیگر از شیوه‌های جبران خسارت زیست‌محیطی شناسایی رژیم مسئولیت برای شخص ثالث از طریق الزام به تهیه بیمه‌نامه و یا ضمانت‌نامه‌های مالی است که در برخی از اسناد بین‌المللی مشاهده می‌شود. همچنین متوقف کردن فعالیتی که موجب خسارت زیست‌محیطی می‌شود، شیوه دیگر جبران خسارت در حقوق بین‌الملل محیط زیست است، اگرچه این شیوه به طور مطلق پذیرفته شده نیست، چنانچه فعالیت مورد نظر در حقوق بین‌الملل منع نشده باشد، دولت زیان‌دیده نمی‌تواند توقف آن را تقاضا کند. در مجموع در زمینه مطالبه جبران خسارت زیست‌محیطی از سوی دولت قربانی به دلایل گوناگون، فقدان رویه قضایی بین‌المللی کافی، بر عدم غنای این بحث در حقوق بین‌الملل افزوده است (۱۰).

فلسفه وجودی مسئولیت بین‌المللی معمولاً در نقض حقوق کشور دیگر نهفته است و نقض هر حقی نوعی خسارت به شمار می‌رود (۱۱)، اما مشکلات مربوط به خسارت زیست‌محیطی در حال حاضر و به طور کامل حل نگردیده است. تعهدات ناشی از حقوق عرفی در این زمینه که از اصل (۲۱) از اعلامیه استکهلم تدوین گردیده، تعهد به عدم ورود خسارت است، اما مشکلی که در این زمینه وجود دارد. این است که اصولاً معیار و استاندارد خسارت چیست؟ و اساساً چه سطحی از خسارت برای ایجاد مسئولیت لازم است (۱۲). سؤال دیگری که در این زمینه وجود دارد، این است که آیا اساساً وجود خسارت به عنوان شرط لازم جهت تحقق نقض تعهد است؟ در این زمینه دیدگاه عالی که مورد تصدیق حقوق بین‌الملل نیز قرار گرفته، وجود دارد که ورود خسارت به عنوان پیش‌شرط لازم، جهت تحقق مسئولیت دولت نیست. در واقع

مشخص خود و ترویج توسعه زیرساخت‌ها به عنوان فرآیند یادگیری مد نظر قرار دهند.

۳. ضمانت اجرای کیفری حمایت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل: مجازات عکس‌العملی است که اجتماع در مقابل جرم واقع شده و مجرم از خود نشان می‌دهد. بنابراین این مرحله از پاسخ دربرگیرنده واکنش جامعه است. به این ترتیب مجازات محیط زیستی پاسخ و عکس‌العملی است (۱۴). که جامعه اعم از ملی و بین‌المللی در برابر جرائم محیط زیستی از خود نشان می‌دهد و به این وسیله سعی می‌کند تا از محیط زیست خود در مقابل جرائم و مجرمین حمایت کند. اسناد بین‌المللی بسیاری تاکنون در باب حقوق محیط زیست در عرصه بین‌المللی و در قالب توافق‌نامه‌های چندجانبه، کنوانسیون، قطع‌نامه یا سایر صور در این راستا شکل گرفته و منتشر شده است. برای نمونه ماده ۳۳ از پروتکل الحاقی نخست بر کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ بیان می‌دارد: «۱- در هیچ مخاصمه نظامی، طرفین از حق نامحدود برای انتخاب شیوه و وسایل جنگی برخوردار نیستند؛ ۲- به کارگیری هر شیوه و وسایل جنگی به قصد یا انتظار تخریب گسترده، بلندمدت و شدید محیط زیست است ممنوع است» (۱۵). مطابق ماده ۵۵ همین پروتکل: «۱- باید نسبت به محافظت از محیط زیست در برابر آسیب گسترده، بلندمدت و شدید آن مراقبت به عمل آید. این محافظت شامل ممنوعیت بهره‌گیری از هر شیوه یا وسیله جنگی که قصد یا انتظار می‌رود که چنین آسیبی را محیط زیست وارد سازد و بدین ترتیب مضر برای سلامت یا بقای مردم واقع شود؛ ۲- حمله به محیط زیست به منظور تلافی ممنوع است» (۱۵). بر اساس ماده ۱ کنوانسیون ممنوعیت بهره‌گیری نظامی یا متخاصمانه از شیوه اصلاح محیط زیستی: «۱- طرفین این کنوانسیون متعهد می‌شوند که به طریق نظامی یا متخاصمانه از شیوه دستکاری محیط زیستی که تخریب گسترده، بلندمدت و شدید را در این باب در پی داد خودداری ورزند؛ ۲- طرفین این کنوانسیون متعهد می‌شوند که هیچ دولت یا گروهی از دولت‌ها یا سازمان بین‌المللی را به منظور انجام عملی در مغایرت با بند نخست

پرداختن به این موضوع در حیطه قواعد اولیه است که تعیین می‌نماید که چه استان‌هایی برای تحقق تخلف لازم است، در بعضی از موارد ممکن است وجود تخلف منوط به ورود خسارت واقعی بوده و در بعضی از موارد دیگر قصور محض از انجام تعهدات کافی است تا قطع نظر از آثار قصور در آن زمان موجبات مسئولیت دولت را فراهم سازد. بنابراین قطعیت یافتن این امر که وجود خسارت به عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده مسئولیت دولت است موضوعی است که باید در قالب محتوی و مضامین قواعد اولیه مورد بررسی قرار گیرد (۱۳).

کشورهای جهان باید راهبردهای زیست‌محیطی را در تمام سیاست‌های بخشی خود بگنجانند، سرمایه‌گذاری مستقیم در مدیریت زیست‌محیطی را ترویج دهند و پایش زیست‌محیطی را بهبود بخشند. در تمام این حوزه‌های عملیاتی، کشورها باید نیاز روزافزون خود را به منظور سازگاری با تغییرات اقلیمی لحاظ کنند. نمونه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم در مدیریت زیست‌محیطی عبارت‌اند از کاشت مجدد جنگل‌ها، بهسازی فاضلاب، مهار آلودگی‌های شیمیایی و حفظ اکوسیستم‌های حیاتی، راهبردهای بخشی که درست طراحی شده‌اند، شامل خدمات کشاورزی و زیربنایی می‌توانند از ارزیابی راهبردی اثرات زیست‌محیطی برای به حداقل رساندن توازن منفی زیست‌محیطی استفاده کنند. حذف یارانه‌هایی که آثار مخرب زیست‌محیطی دارند می‌تواند مدیریت محیط زیست را بیشتر بهبود بخشد. توصیه اصلی عملیاتی این است که کشورهای در حال توسعه باید راهبرد توسعه ملی خود را اتخاذ و اجرا کنند و نهادهای بین‌المللی و شرکای توسعه مانند آژانس‌های سازمان ملل تمام پشتیبانی لازم را برای اجرای راهبردها ارائه دهند، تعامل میان گروه‌های سرمایه‌گذار هر کشور نقشه ابعاد کلیدی، ارزیابی نیازها بر اساس تأمین نیازهای مالی و عوامل اصلی اثرگذار را بر اساس منطقه، محل و استان و... با داده‌های موجود به بهترین وجه ممکن تهیه نماید. همچنین علوم، فناوری و نوآوری در ساخت و توانمندسازی ظرفیت‌های ملی را به عنوان یک راهبرد پایدار بر اساس اهداف و برنامه کاری

و موجبات مرگ و صدمه شدید جبران‌ناپذیر بر اشخاص و یا بر هوا، خاک و آب می‌گذارد.

درباره تعهدات کیفری در مقابل جرائم محیط زیست در عرصه بین‌المللی و حقوق مربوط به آن ابهام وجود دارد، زیرا در پاره‌ای از مقررات بین‌المللی مانند اصل ۲۲ کنوانسیون ۱۹۷۲ استکهلم درباره محیط زیست و انسان، ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۷۳ سائیس و ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل، هیچ‌گونه کیفری برای جرائم محیط زیست مقرر نشده است و به کشورهای عضو توصیه شده که در این باره اقدام کنند. در پاره‌ای دیگر از این مقررات مانند ماده ۲۷ اساسنامه ۱۹۵۴ دادگاه نظامی نورنبرگ و ماده ۷۷ اساسنامه ۱۹۹۸ دیوان کیفری بین‌المللی که مصادیقی از جرائم محیط زیست را مد نظر قرار داده‌اند، برای مرتکبین جرائم تعیین شده در این اساسنامه‌ها تعهدات کیفری تعیین شده است، اما این تعهدات به طور مستقیم و آشکار جرائم محیط زیست بین‌المللی را دربر نمی‌گیرد. به دلیل آنکه برای مرتکبین مجازات مورد نظر نه به عنوان ارتکاب جرائم محیط زیست بین‌المللی، بلکه به عنوان مرتکبین جرائمی مانند جنگی و جنایت علیه بشریت، مجازات‌های مقرر تعیین شده است.

۴. چالش‌های ضمانت اجرای حمایت از محیط زیست

حقوق بین‌الملل: ظهور نسل سوم حقوق بشر که محیط زیست سالم را از جمله حقوق اساسی بشر به شمار آورده است، در کنار اسناد و توافقات دو و چندجانبه بین‌المللی در حمایت از محیط زیست، امیدهایی را در رابطه با توسعه پایدار محیط زیستی ایجاد کرده است (۱۸). با تهدیدات بالفعل و بالقوه زیست‌محیطی کافی نبوده است و در زمینه ضمانت اجرای کیفری چالش‌های زیر مطرح است:

نخست اینکه حقوق کیفری به طور سنتی در مورد پرداختن به خسارات شدید زیست‌محیطی با ابعاد بین‌المللی موضعی تردیدآمیز دارد، چراکه اثبات اتهامات کیفری در چنین مواردی مشکل است. برای مثال اگر صرفاً بحث قصور یا بی‌مبالاتی مطرح شود، ممکن است جرم‌انگاری بسیار دشوار باشد؛ دوم اینکه، مسأله آلودگی زمانی که فاقد یک عنصر

این ماده تشویق، تطمیع یا یاری نرسانند» (۱۶). اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اساسنامه روم ۱۹۹۸ که به عنوان سند مؤسس سازمان بین‌المللی کیفری شناخته می‌شود، در بخش دوم از بند دو ماده ۸ تصریح می‌دارد که هرگونه حمله عامدانه با علم به اینکه چنین حمله‌ای... آسیبی گسترده، بلندمدت و شدید را نسبت به محیط زیست وارد می‌سازد، از جمله جرائم جنگی به شمار می‌آید (۱۷). به موجب زیر بند ۲ بند ۴ ماده ۸ اساسنامه: «انجام عمدی حمله‌ای با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث ... آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکار نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است»، چنانچه دیده می‌شود قاعده موجود در اساسنامه تقریباً همان مقرر موجود در مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول می‌باشند، با این تفاوت که اساسنامه شرط فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار را برای شرایط موجود در ماده ۵۵ پروتکل افزوده است. به نظر می‌رسد، این قابل انتقاد است، به علاوه اساسنامه عنصر علم موجود در پروتکل اول را با صراحت و شفافیت بیشتری ذکر نموده است.

کنوانسیون حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه موسوم به کنوانسیون نمود، از جمله کنوانسیون‌های دیگر در حمایت کیفری از محیط زیست است. ماده ۱ این کنوانسیون، به کارگیری سلاحی را که نسبت به محیط زیست «آثار گسترده، ماندگار یا وخیم دربر دارد» منع می‌کند، اما مهم‌ترین کنوانسیون، کنوانسیون استراسبورگ ۱۹۹۸ است که بر ۳ نکته کلیدی تأکید می‌نماید و عبارت‌اند از: ۱- اعتقاد بر لزوم حمایت کیفری از محیط زیست؛ ۲- لزوم جرم‌انگاری نقض‌های دارای آثار شدید بر محیط زیست؛ ۳- مجازات مجرمین، لزوم اهمیت مجازات کیفری و اداری اشخاص حقوقی و عمل این کنوانسیون مواردی از قبیل تخلیه یا دفع هرگونه مواد سمی ناشی از انتشار یون در هوا، خاک و آب که منجر به مرگ یا صدمات شدید شود، تخلیه و انبار و حمل مواد زیان‌آور و ضایعات خطرناک که بر اشخاص یا بر کیفیت هوا، خاک و آب، تأثیر بگذارد و همچنین اداره غیر قانونی کارخانجاتی که در آن‌ها یک فعالیت خطرناک انجام می‌پذیرد

فرامرزى مشخص باشد به سختی از منظر حقوق بین‌الملل مورد بحث قرار می‌گیرد. با این حال، حقوق داخلی نیز به دلیل عدم وجود مقررات مؤثر و به دلیل همدستی خود دولت‌ها در تخریب اکولوژیکی و در نتیجه عدم امکان اعمال بررسی‌های مقتضی (به دلیل ممانعت دولت‌ها)، برای تعقیب شخص یا اشخاص مسئول اغلب نابسنده می‌باشد، به علاوه اینکه حقوق داخلی نمی‌تواند در برابر گستردگی خسارات وارده به محیط زیست که کاملاً دارای ماهیتی جهانی بوده و باعث تهدید فرامرزى زیست‌محیطی می‌گردد به طرز مؤثری پاسخگو باشد.

دولت‌های عضو سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ مجبور شدند تا موضوع شناسایی جدی‌ترین جرائم زیست‌محیطی را در یک کنوانسیون بین‌المللی مد نظر قرار دهند (۱۹). در حال حاضر تعداد کمی از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی هستند که به دنبال حمایت از محیط زیست در برابر تخریب شدید می‌باشند. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو «استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای جنگی را که بتوان انتظار داشت خسارات گسترده، ماندگار و وخیمی بر محیط زیست وارد نماید و یا در این جهت به کار روند»، منع می‌کند (۲۰). این مقررده مدت‌ها مورد بحث واقع شده و در مواردی همچون کاربرد عامل نارنجی در جنگ ویتنام و سوزاندن چاه‌های نفت در عراق در پی جنگ اول خلیج مطرح شده است (۲۱). بیان دیگری از این مقررده در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و با هدف طرح مسئولیت بین‌المللی کیفری مد نظر قرار گرفته است. طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (اساسنامه رم) که تا حد زیادی به عنوان تدوین‌کننده حقوق بین‌الملل کیفری در مورد این موضوعات تلقی می‌شود، اقدام به «حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای موجب... خسارات گسترده، بلندمدت، شدید و فراتر از ضرورت‌های نظامی به محیط‌زیست طبیعی خواهد شد» جرم جنگی محسوب می‌شود. علاوه بر جرائم زیست‌محیطی در مفهوم مضیق آن، قواعد کیفری غیر مستقیم نیز در حوزه محکومیت‌های کیفری در قبال نقض برخی هنجارهای زیست‌محیطی وجود دارد. برای مثال کنوانسیون بین‌المللی

جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها (کنوانسیون مارپل)، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از تخلیه زباله‌ها و دیگر مواد (کنوانسیون لندن) و همچنین تعدادی از معاهدات منطقه‌ای که به آلودگی دریایی می‌پردازند. اتخاذ اقدامات و مقررات فوق‌الذکر در سطحی نامنظم و کاملاً محدود باقی مانده است و هیچ کدام نتایج مؤثری به بار نیاورده‌اند. در هیچ کدام از این ابتکارات، تلاشی برای رسیدگی و حل جدی‌ترین خطرات یعنی تهدیدات جهانی زیست‌محیطی نشده است، بلکه هر کدام بیشتر به اشکال خاصی از آسیب‌های زیست‌محیطی با برخی جنبه‌های فرامرزى پرداخته‌اند، بدون اینکه طرحی فراگیر در این زمینه ارائه نمایند.

اما مهم‌ترین محدودیت‌ها بر سر راه حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیست از ماهیت حقوق بین‌الملل عمومی و مفهوم حاکمیت دولت‌ها ناشی می‌شود. ساختار حقوق بین‌الملل عمومی از دیرباز به عنوان مانعی بر سر توسعه حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل محیط زیست تلقی شده است. دولت‌ها زمانی که دریابند فعالیت‌های مخرب در قلمرو آن‌ها رخ داده است، بی‌درنگ به حاکمیت سرزمینی خود استناد می‌نمایند (۲۲). به دلیل ارتباط تنگاتنگ میان محیط زیست و طرح‌های توسعه‌ای و کنترل منابع طبیعی، امکان طرح مباحث حاکمیتی در مناقشات بین‌المللی زیست‌محیطی بیشتر می‌شود. در حال حاضر قاعده‌گذاری در حوزه مسائل زیست‌محیطی به شدت به اراده دولت‌ها و دست‌کم تا حدی نیز به سازوکارهای سنتی حقوق بین‌الملل مانند کنفرانس‌های بین‌المللی، مؤسسات بین‌المللی و ابزارهای بین‌المللی متکی است؛ «برای مثال مسائل زیست‌محیطی مانند تغییرات اقلیمی و بیابان‌زایی بارها از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و انعقاد معاهدات بین‌المللی مورد رسیدگی قرار گرفته است.» این دولت‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند تا چه حد ارتقای حقوق بین‌الملل محیط زیست از طریق ضمانت اجرای کیفری به نفع آن‌ها می‌باشد، با این حال تعجبی ندارد که بسیاری از دولت‌ها در مورد اقداماتی که حاکمیت آن‌ها را محدود می‌کنند، محتاطانه عمل نمایند.

دولت‌های عضو سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ مجبور شدند تا موضوع شناسایی جدی‌ترین جرائم زیست‌محیطی را در یک کنوانسیون بین‌المللی مد نظر قرار دهند (۱۹). در حال حاضر تعداد کمی از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی هستند که به دنبال حمایت از محیط زیست در برابر تخریب شدید می‌باشند. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو «استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای جنگی را که بتوان انتظار داشت خسارات گسترده، ماندگار و وخیمی بر محیط زیست وارد نماید و یا در این جهت به کار روند»، منع می‌کند (۲۰). این مقررده مدت‌ها مورد بحث واقع شده و در مواردی همچون کاربرد عامل نارنجی در جنگ ویتنام و سوزاندن چاه‌های نفت در عراق در پی جنگ اول خلیج مطرح شده است (۲۱). بیان دیگری از این مقررده در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و با هدف طرح مسئولیت بین‌المللی کیفری مد نظر قرار گرفته است. طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (اساسنامه رم) که تا حد زیادی به عنوان تدوین‌کننده حقوق بین‌الملل کیفری در مورد این موضوعات تلقی می‌شود، اقدام به «حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای موجب... خسارات گسترده، بلندمدت، شدید و فراتر از ضرورت‌های نظامی به محیط‌زیست طبیعی خواهد شد» جرم جنگی محسوب می‌شود. علاوه بر جرائم زیست‌محیطی در مفهوم مضیق آن، قواعد کیفری غیر مستقیم نیز در حوزه محکومیت‌های کیفری در قبال نقض برخی هنجارهای زیست‌محیطی وجود دارد. برای مثال کنوانسیون بین‌المللی

برخی از مشخصه‌های حقوق کیفری نیز محدودیت‌هایی را بر سر راه توسعه یک نظام کارآمد حقوق کیفری بین‌المللی برای محیط زیست تحمیل نموده است.

نخست اینکه تمایز خسارات زیست‌محیطی در قیاس با دیگر انواع خسارات سنتی منع شده در حقوق کیفری موضوعی مسأله‌ساز و پیچیده است. «اختلاف اساسی جرائم زیست‌محیطی با جرائم دیگری مانند سرقت و قتل در این است که اغلب فعالیت‌های آلوده‌ساز نه تنها باعث هزینه‌هایی برای جامعه هستند، بلکه منافع مهمی را نیز به بار می‌آورند» (۲۷). از این لحاظ در تبیین آشکار با دیگر جرائم شناخته شده بین‌المللی می‌باشد. برای مثال در چارچوب جرائم علیه بشریت، هیچ اقدام سودمندی به نابودی بشر منتج نمی‌شود (بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری) و نابودی بشر نمی‌تواند تابعی از یک امر سودمند باشد. برعکس برخی اعمال قانونی که اثر منفی بر محیط زیست دارند به ندرت ممکن است که غیر قانونی تلقی شوند. در دنیایی که اقتصاد آن غالباً بر پایه تخریب منابع طبیعی می‌باشد، تمایز قائل شدن میان تخریب قانونی و غیر قانونی مشکل است. دشواری در تمایز میان آلودگی قانونی و غیر قانونی و نسی بودن ماهیت چنین تمایزی می‌تواند حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیست را به معیاری ناپایدار و لغزنده تبدیل نموده که در آن هزینه‌ها و منافع هر فعالیت دائماً ارزیابی مجدد می‌شوند. این امر ممکن است مقتضیات یک نظام آزاد حقوق کیفری، یعنی حقوق کیفری که آزادی‌های اساسی را محترم می‌شمارد را زیر سؤال ببرد.

دوم اینکه پراکندگی اغلب خسارات وارده بر محیط زیست ممکن است هر نوع تلاش در جهت تطبیق خسارات زیست‌محیطی با نظریه‌های حقوق کیفری نوین در مورد خسارت را پیچیده نماید (۲۸). خسارات زیست‌محیطی نوعاً چند لایه هستند، یعنی در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی وجود دارند، اما به نحوی که آثار آن‌ها بلافاصله ظاهر نمی‌شود. جرائم زیست‌محیطی اغلب منحصر به یک مکان خاص نیستند و در نتیجه بیشتر تدریجی هستند تا دفعی. این موضوع می‌تواند تعیین خسارت در یک نظام جهانی را با چالش مواجه

حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیست علاوه بر مسائل و محدودیت‌های ناشی از حقوق بین‌الملل، با مسأله پیچیدگی مقوله محیط زیست نیز رو به رو می‌باشد. محیط زیست مفهومی کاملاً پیچیده و گول‌زننده است و همین باعث ایجاد مشکلات به خصوصی برای حفاظت از آن می‌شود. در مورد جرائم بین دولتی یا جرائم حقوق بشری که در آن‌ها بحث بی‌کیفری به مسأله‌ای مهم مبدل شده است (۲۳)، مخالفت با جرم‌انگاری برخی رفتارها یا اعمال جرائم موجود به تمایل دولت‌ها برای طرح ادعای حاکمیت علیه ادعاهای جامعه بین‌المللی برمی‌گردد (۲۴). در بسیاری از موارد، دولتی که صلاحیت به رسیدگی جرمی را دارد تحت سلطه افرادی می‌باشد که مرتکب آن جرم شده‌اند (مانند رئیس دولت و رهبران و فرماندهان ارشد) و این امر تعقیب کیفری آنان را غیرمحمتمل می‌نماید. علاوه بر این، جرائم بین دولتی مانند تجاوز بازرچه منافع دولت‌ها شده که در نتیجه آن به سادگی تجاوز را دفاع مشروع و دفاع مشروع را تجاوز جلوه می‌دهند. به همین دلیل در واگذاری صلاحیت رسیدگی به چنین جرائمی به دیوان بین‌الملل کیفری موفقیت‌چندانی حاصل نگردید (۲۵). ایراد خسارت به محیط زیست خود ایجادکننده شماری از مسائل بی‌کیفری می‌باشد. این مسائل در وهله نخست بین دولتی به معنای تقابل حاکمیت‌ها (یا سیاسی (به معنای تقابل دولت با جمعیت خود) نبوده و تا اندازه‌ای کاملاً جدید هستند. به عنوان مثال، برخی ابعاد غیر دولتی و اقتصادی در مورد خسارات زیست‌محیطی وجود دارد که بایستی همگام با نقش دولت‌ها در شکل‌گیری جرائم بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. شرکت‌های چندملیتی می‌توانند تحت پوشش‌های مختلف به طور مخفیانه عمل نمایند که این امر انتساب مسئولیت به آن‌ها را سخت می‌کند (۲۶). به دلیل وسعت و امکانات این شرکت‌ها، دولت‌های ضعیف‌تر ممکن است نتوانند مبارز مؤثری علیه این شرکت‌ها نمایند. از این رو با پرداخت مبلغی بابت جبران خسارت از سوی این شرکت‌ها و یا بدتر از این با گرفتن رشوه تعقیب آن‌ها را متوقف کنند.

با توجه به تناسب مجازات با جرم ارتكابی چندان شدت ندارد، چراکه مرتکب چنین جرائمی به دلیل تحصیل منافع مالی زیاد ممکن است بازدارندگی قانونی چندان موفق نباشد؛ از سوی دیگر یک فعالیت تبلیغی وسیع از طریق جرایم و رسانه‌ها و رادیو و تلویزیون می‌تواند نقش مشارکت مردمی را در اجتناب از ارتكاب این قبیل جرائم که منافع آن در مقایسه با مضرات بسیار قلیل می‌باشد، افزایش داد، چون در بسیاری موارد خاطیان از اثرات بسیار نامطلوب قطع اشجار بر روی خاک غافل هستند در این مورد یکی از ایرادات به برنامه‌های مسئولین جهاد کشاورزی طرح اخراج دام‌ها از جنگل می‌باشد که با توجه به اینکه فضولات حیوانی بسیار مفید برای خاکی و رشد گیاهان محسوب می‌شود، ممانعت از دامداری سنتی موجب اثرات نامطلوب بر روی خاک گردید، لذا بهتر بود مسئولین دولتی برای پیشگیری از برخی اقدامات دامداران چاره‌ای بهتر از خروج کامل دام از جنگ در نظر می‌گرفتند.

۵-۲. ضمانت کیفری آلودگی آب: قانونگذار قبل از انقلاب با تصویب قوانین متعدد ضمن تنظیم مسائل مرتبط با آب، در برخی از مواد، به جرم‌انگاری برخی از رفتارها و تعیین مجازات برای آن‌ها اقدام کرده است. با بررسی قوانین آب و محیط زیست ملاحظه می‌گردد که قانونگذار به جرم‌انگاری آلوده کردن آب پرداخته و به قوانین متعددی در این خصوص می‌توان اشاره نمود. همچنین در ماده ۲۰ قانون طرز جلوگیری از بیماری آمیزشی و بیماری‌های واگیر دار مصوب ۱۳۲۰/۳/۱۱، آلوده کردن آب‌هایی که به مصرف شرب می‌رسند، ممنوع اعلام شده است. علاوه بر این، قانونگذار در بند «د» و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ و با اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۳ و ۱۳۷۵/۹/۲۵ «آلوده کردن آب رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، و قنوت، برکه‌ها و مرداب‌ها، تالاب‌های حفاظت‌شده، چشمه‌ها و آبشخورها به مواردی که موجب آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود» جرم تلقی شده است. قانونگذار در ماده ۵۵ قانون آب و نحوه ملی شدن آب مصوب ۱۳۴۷، آلوده ساختن آب را ممنوع اعلام نموده است و در بند ۵ ماده ۶۰ نیز اشعار داشته: «هر کسی عمداً آب رودخانه و انهار عمومی و

نماید. جرائم علیه محیط زیست ممکن است به تدریج ارتكاب یابد و این در حالی است که حقوق کیفری به طور سنتی به یک فعل قابل شناسایی، یعنی عنصر مادی جرم و خسارات واضح و نسبتاً قابل تشخیص سریع مانند خسارات جسمی، مرگ یا خسارات مالی توجه دارد. چنین مسائلی در جرم‌انگاری خسارات زیست‌محیطی زمانی پررنگ‌تر می‌شود که خسارات وارده نه تنها به لحاظ جغرافیایی، بلکه به لحاظ زمانی نیز پراکنده باشد. برای مثال، وجود خسارت در برخی موارد ممکن است فقط با گذر زمان مشخص شود و تنها نسل‌های آینده را تحت تأثیر قرار دهد.

۵. ضمانت کیفری محیط زیست در حقوق ایران: در این قسمت تلاش شده ضمانت کیفری محیط زیست در حقوق ایران بررسی شود.

۵-۱. ضمانت کیفری آلودگی خاک: در حقوق ایران تخریب محیط زیست در قوانین متعددی جرم‌انگاری شده است. یکی از ابعاد آلودگی محیط زیست، آلودگی خاک است (۲۹). ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، از جمله قوانینی است که هرگونه آلودگی محیط زیست ممنوع (جرم) دانسته و در تبصره همان ماده، آلودگی خاک مصداقی از آلودگی محیط زیست تعریف شده است. در قانون اراضی مستحده ساحلی مصوب ۱۳۵۴ نیز از آلودگی خاک سخن گفته شده است. در ماده ۱۱ این قانون آمده است: «هر کس به قصد تصرف به اراضی مستحده و ساحلی متعلق به دولت و حریم دریا و دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور تجاوز کند و یا اراضی مزبور را با برداشت شن و ماسه و خاک و سنگ تخریب نماید به حسب جنحه‌ای تا سه سال و خلع ید محکوم خواهد شد.» در حال حاضر ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی یکی از مهم‌ترین منابع این جرم زیست‌محیطی به شمار می‌رود. در تبصره ۲ این ماده همانند ماده ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، ضمن تعریف آلودگی محیط زیست، از آلودگی خاک نیز به عنوان یکی از مصداق این آلودگی و جرم عام زیست‌محیطی نام برده شده است. نکته قابل انتقاد این ماده قانونی امکان تبدیل مجازات حبس به همراه نقدی می‌باشد که

جویبارها و مخازن و منابع و قنوات و چاه‌ها را با اضافه کردن مواد خارجی به نحو مندرج در ماده ۵۶ این قانون آلوده کند، در مواردی که منبع آب به عنوان منبع آب آشامیدنی به کار می‌رود و مرتکب به موجب این قانون و سایر قوانین مربوطه نیز مورد تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت.»

در ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴/۱۱/۱۴، قانونگذار چنین اشعار داشته «آلوده کردن رودخانه‌های مرزی و آب‌های داخلی و دریای سرزمینی ایران به نفت یا هر نوع مخلوط نفتی خواه توسط کشتی‌ها و خواه توسط سکوه‌های حفاری یا جزایر مصنوعی (اعم از ثابت یا شناور) و خواه توسط لوله‌ها و تأسیسات و مخازن نفتی واقع در خشکی یا دریا باشد، ممنوع است.»

قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۲۲ اولین قانون اختصاصی آب پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران است که قانونگذار اسلامی در مواد ۶ و ۴۶ صرفاً به ممنوعیت آلودگی آب اشاره نموده است و در این ماده هیچ واکنش یا ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است و صرفاً مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب را به سازمان حفاظت محیط زیست محول نموده است (۳۰).

یکی از مواد قانونی مهم در راستای جلوگیری از آلودگی آب ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه ۱۳۷۱ بوده که بیان می‌دارد: «سازمان با توجه به مقررات و ضوابط مندرج در آیین‌نامه‌های مذکور در ماده ۱۰ کارخانجات و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌نمایند مشخص و مراتب را کتباً با ذکر دلایل بر حسب مورد به صاحبان یا مسئولان آن‌ها اخطار می‌نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خوداری کنند. در صورتی که در مهلت مقرر اقدام ننماید، به دستور سازمان از کار و فعالیت آن‌ها ممانعت به عمل خواهد آمد. در صورتی که اشخاص ذی‌نفع نسبت به اخطار با دستور سازمان معترض باشند می‌توانند به دادگاه عمومی محل شکایت نمایند دادگاه فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می‌کند و در صورتی که اعتراض را وارد

تشخیص دهد رأی به ابطال اخطار یا رفع ممانعت خواهد داد. رأی دادگاه قطعی است.»

در تحلیل و تبیین ماده مورد اشاره لازم به ذکر است که در بخشی از این ماده به صدور اخطاریه مهلت‌دار از سوی سازمان حفاظت محیط زیست مبنی بر رفع آلودگی با لحاظ ذکر دلایل به صاحبان یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها تأکید گردیده است، به تعبیر دیگر افراد مسئول می‌بایست پس از دریافت و ابلاغ اخطاریه نسبت به رفع آلودگی و یا خودداری از هرگونه آلودگی منجر به آلودگی اقدام نمایند. بدیهی و آشکار است که در صورت ادامه و استمرار فعل آلودگی توسط واحد موصوف عنصر روانی جرم محقق شده و استناد به عدم سوءنیت و ناآگاهی از بزه ارتكابی از سوی مسئولان آن واحد فاقد وجاهت و مسموع نبوده و رکن معنوی جرم قابل احراز می‌باشد (۳۱).

در قسمتی از ماده ۱۱ عنوان می‌گردد که «به دستور سازمان از کار و فعالیت آن‌ها ممانعت به عمل خواهد آمد» که بایستی اشاره کرد که این دستور یک دستور اداری است که مستند به شرح وظایف سازمان حفاظت محیط زیست به استناد ماده ۱ و ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و ماده ۴۶ از قانون توزیع عادلانه آب مبنی بر وظیفه جلوگیری از آلودگی توسط سازمان مذکور می‌باشد، لذا نکته قابل توجه این است که این دستور می‌بایست به استناد ماده ۱۹ آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب جهت صدور دستور قضایی به دادستان محل اطلاع داده شود تا دستور اداری سازمان دارای ضمانت اجرایی قضایی نیز گردد، به طوری که در ماده ۱۹ صدرالاشاره بیان شده، در مواردی که به استناد ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و تبصره آن دستور ممانعت از کار و فعالیت کارخانه یا کارگاهی صادر می‌شود، مراتب به دادستان حوزه قضایی مربوطه برای صدور دستورهای لازم اعلام می‌شود، هرچند اجرای دستور تعطیلی و یا رفع آلودگی که از سوی سازمان صادر شده در عمل با چالش‌هایی همچون تمرد و درگیری‌های احتمالی رو به رو است، لکن اجرای ماده ۱۹ موصوف شاید تا حدی بتواند چالش‌های مرتبط با موضوع را

کاهش دهد. علیهذا اجرای ماده ۱۱ قانون حفاظت محیط زیست با توجه به نوع نگارش آن همچنان چالش‌زا است.

۳-۵. ضمانت کیفری آلودگی هوا: تعدد قوانین و مقررات مربوط به جرم زیست‌محیطی آلودگی هوا مانند موضوع آلودگی آب نیست. جدای از ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی که شامل جرم آلوده کردن هوا نیز می‌شود، مهم‌ترین قانون خاص در این باره قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و اصلاحی ۱۳۸۳ است. در ابتدای ماده ۲ این قانون، اقدام به هر عملی که سبب آلوده شدن هوا شود ممنوع، یعنی جرم دانسته شده است، سپس در موارد دیگر این قانون از چگونگی تحقق این جرم از طریق نحوه استفاده از وسایل نقلیه موتوری (مواد ۴ تا ۱۲)، کارخانجات، کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها، (مواد ۱۲ تا ۲۱) و منابع تجاری، خانگی و متفرقه (مواد ۲۲ تا ۲۷) سخن گفته شده است. در ماده ۴ قانون مزبور آمده است: «استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده‌کننده‌های دیگر وارد هوای آزاد نمایند، ممنوع است.» در ماده ۱۴ نیز چنین عنوان شده است: «فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت نمایند و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، ممنوع است.» ماده ۲۲ نیز مقرر می‌دارد که: «پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده‌کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری، خانگی و متفرقه در هوای آزاد ممنوع است.» همچنین در ماده ۲۴ آمده است، «سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز ممنوع است.» برخی از قوانین مورد اشاره صرفاً به ممنوعیت آلودگ هوا اشاره کرده و برای آن مجازاتی تعیین نکرده و یا مجازات تعیین شده (۳۲) مانند آنچه در قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ آمده است، جنبه بازدارندگی ندارد. مطابق ماده ۳۲ قانون مورد اشاره، مسئولین آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال

محکوم خواهند شد. با احتساب افزایش تورم و قیمت‌ها در جامعه امروزی، این جریمه‌ها بسیار ناچیز است و به همین دلیل اشخاص حقیقی و حقوقی که در آلودگی هوا نقش دارند، به فعالیت‌های خود ادامه داده و این میزان جریمه تعیین شده، فاقد بازدارندگی لازم برای این اشخاص است و نمی‌تواند مانع از انجام فعالیت‌های این اشخاص شود.

۴-۵. ضمانت کیفری آلودگی و تخریب جنگل‌ها و مراتع و باغ‌ها: بر اساس لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب سال ۱۳۵۹، برای متهمان محکوم به قطع درختان مجازات حبس از ۶ ماه تا سه سال و مجازات نقدی صد هزار تا یک میلیون تومان تعیین شده است. بر اساس قانون مذکور، مجازات قطع درختان از جزای نقدی ۱۰۰ هزار تا یک میلیون تومان برای قطع هر درخت در صورتی که بیش از ۳۰ اصله باشد و همچنین حبس تعزیری ۶ تا سه سال تعیین شده است. همچنین در تبصره این قانون آمده است: در صورتی که قطع درخت از مالکین به نحوی باشد که باغی را از بین ببرد و از زمین آن به صورت تفکیک و خانه‌سازی استفاده کند همه زمین به نفع شهرداری ضبط می‌شود و به مصرف خدمات عمومی شهر و محرومین می‌رسد.

در ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است هرکس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا مستعد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود، اما اعمال فوق در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت.

همچنین مطابق ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی، هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا تخلصان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیاندازد، به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.

به نظر می‌رسد جرم تخریب درخت، حتی توسط مالک درخت نیز قابل ارتکاب باشد، زیرا یک جرم علیه آسایش عمومی است و نه جرم علیه اموال؛ از همین رو در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی به جرم موضوع این ماده به عنوان یک جرم با ماهیت خصوصی و قابل گذشت اشاره‌ای نشده است. تخریب درخت اعم از این است که مستقیماً قطع شده یا اینکه به طریقی مثل ریختن مواد شیمیایی یا نفتی در پای درخت موجبات از بین رفتن آن فراهم آید، اعم از اینکه درخت مثمر باشد یا غیر مثمر، لیکن قطع شاخ و برگ درختان را نمی‌توان به منزله قطع درخت و مشمول ماده دانست، در ضمن بعید نیست مرتکب فعل عمدی (مثال آبندادن به درختان باغ از سوی مالک) را هم بتوان به معنی فراهم آوردن موجبات از بین رفتن درختان و در نتیجه مشمول ماده دانست (۳۳). عنصر مادی جرم تخریب و تلف و امثال آن‌ها است که هم با فعل و هم با ترک فعل قابل تحقق است. این جرم نیز از زمره جرائم عمومی است و احراز سوءنیت خاص و رکن معنوی در تحقق آن ضروری است. جرم موضوع مواد مذکور، جرم عمومی است و بدون شکایت شهرداری هم قابل تعقیب است و در تحقق جرم شرط نیست که درخت قطع شده دارای شناسنامه باشد و شناسنامه هم ابلاغ شده باشد (۳۴)، لیکن این ماده نیز کامل و رسا نبوده و ایراداتی دارد، از جمله آنکه تنها ناظر به از بین بردن درختان است و شامل مواردی که تنها صدمه‌رساندن به آن‌هاست، نمی‌شود. نکته دیگری که قید جبران خسارت است که نحوه جبران خسارت معلوم نشده است.

۵-۵. ضمانت کیفری آلودگی ناشی از زباله‌ها و پسماندها:

به موجب ردیف دال بند «ج» ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۴، مقصود از آلودگی ناشی از پسماندها، همان مفهوم آلودگی است که در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (همچنین تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی) آمده است که بر اساس آن اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید، ممنوع است. قانونگذار به دنبال طبقه‌بندی پسماندها و بیان ضرورت تلاش مؤثر به منظور جلوگیری از بروز این‌گونه آلودگی‌ها و تعیین

یک سلسله وظایف و تکالیف و مانند آن، به جرم‌انگاری در این باره مبادرت نموده است و در ماده ۱۳ این قانون مخلوط کردن پسماندهای پزشکی (بیمارستانی) را با سایر پسماندها و نیز تخلیه و پخش کردن آن‌ها را در محیط، همچنین فروش و استفاده و بازیافت آن‌ها را ممنوع (جرم) دانسته است. باید به این نکته اشاره کرد که در این باره تعدد و پراکندگی وجود دارد. از یکسو این جرائم دارای قوانین و مقررات خاص هستند و از طرف دیگر مجموع این جرائم در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بیان شده است. به موجب این ماده «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. در جرائم موضوع این ماده، جبران خسارت منوط به مطالبه زیان دیده و تقدیم دادخواست ضرر و زیان نیست (۳۵). ایرادی که بر این ماده وارد شده، این است که اعمال ذکر شده در ماده تفاوت قابل ملاحظه‌ای با همدیگر دارند و برخورد با همه آن‌ها طی ماده واحدی چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسد. توضیح اینکه از یکسو اعمال بسیار خطرناک و زیانباری مثل آلوده کردن آب آشامیدنی و توزیع آن و از سوی دیگر، اعمالی چون ریختن زباله در خیابان، به طور یکسان مورد حکم واقع شده است (۳۳). با توجه به عدم ذکر این ماده در زیرمجموعه ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، جرائم موضوع این ماده نیز قابل گذشت نبوده و می‌تواند توسط سایر افراد مورد شکایت قرار گیرد یا مراجع قضایی بدون وجود شکایت مورد تعقیب قرار دهد. تبصره ۱ ماده صرفاً در مقام تعیین وظیفه برای نهادهای مذکور است. همچنین به نظر می‌رسد مجازات تعیین شده در این ماده که حبس تا یک سال است متناسب با قباحت عمل و شدت جرائم مذکور که تهدید بر علیه امنیت و آسایش عمومی است نبوده و قانونگذار بایستی با شدت بیشتری رفتار می‌کرد.

در کل تخریب محیط زیست و تحقق مسئولیت کیفری در حقوق ایران خیلی کم‌رنگ است. مجازات‌های تعیین‌شده در قوانین کیفری متناسب با قباحت عمل که امروزه از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری است نبوده و لازم است قانونگذار با تعیین ضمانت اجرا و مجازات شدیدتر برخورد مناسب نماید. در کنار آن، پیشگیری و آموزش‌های عمومی و واقف‌نمودن جامعه از اهمیت موضوع نباید نادیده گرفته شود.

نتیجه‌گیری

نسل اول حقوق بشر شامل حقوق مدنی و سیاسی، نسل دوم شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نسل سوم حقوق همبستگی نام دارد. در نسل سوم از حقوق جدیدی نظیر حق صلح، حق برخورداری از محیط زیست سالم، حق توسعه، حق تعیین سرنوشت و دیگر حقوق نسل‌های آینده یاد می‌شود. احتساب حق داشتن محیط زیست سالم به عنوان دریچه‌ای به سوی حقوق بشر از اهم تلاش‌های بین‌المللی و ملی در حمایت از محیط زیست است.

در حقوق ایران قوانین متعدد و متنوعی در خصوص حمایت از محیط زیست وضع گردیده است. ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی به عنوان یک قانون عام در حوزه حفاظت از محیط زیست محسوب می‌گردد. این ماده اقدام به جرم‌انگاری جرائم زیست‌محیطی و جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و تعیین مراجع صالح در این خصوص نموده است. با وجود مفیدبودن این ماده قانونی و پرمودن خلأهای جرم‌انگاری با توجه به معنای عام خود در حوزه حفاظت از محیط زیست، این ماده از جهاتی دارای نقص می‌باشد، از جمله نقایص این ماده می‌توان به عدم تعیین مجازات برای معاون جرم و عدم جرم‌انگاری شروع به جرم نام برد. همچنین تعیین یک نوع مجازات و آن هم حبس تا یک سال علاوه بر اینکه با توجه به انواع جرائم مناسب نمی‌باشد، عملاً در خصوص اشخاص حقوقی که متولیان اصلی آلودگی علیه بهداشت عمومی و محیط زیست هستند نیز قابل اجرا نمی‌باشد.

در زمینه ضمانت اجرای مدنی و جبران خسارت زیست‌محیطی باید گفت که علیرغم پیشرفت حقوق بین‌الملل در مقوله حمایت و حفاظت از محیط زیست، اما در خصوص جبران خسارات زیست‌محیطی از خلأهایی برخوردار است. امروزه اسناد متعددی در این ارتباط به تصویب رسیده است، اما اغلب آن‌ها از یکسو محدود به موضوعاتی خاص هستند و از سوی دیگر بسیاری از مفاهیم مبنایی و مؤثر در روند جبران خسارت زیست‌محیطی را به گونه‌ای مبهم و نامعلوم بیان داشته‌اند. باید گفت که هنوز هم جبران خسارت محیط زیستی با چالش‌هایی مواجه است، هرچند که امروزه اسناد زیادی چه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در این زمینه به تصویب رسیده، اما اغلب آن‌ها از یکسو به موضوعاتی خاص توجه دارند و از سوی دیگر مفاهیم اساسی و مؤثر در روند جبران خسارت محیط زیستی، همانند «سطح خسارت»، «ماهیت»، «محدوده خسارت» و «مسئولیت محیط زیستی بین‌المللی» را به گونه‌ای نامشخص بیان کرده‌اند. همچنین با توجه به ویژگی‌های خسارات محیط زیستی نحوه ارزیابی خسارات محیط زیستی و روش‌های جبران همانند اعاده به وضع سابق، پرداخت غرامت و سایر روش‌ها نیز با نارسایی‌هایی مواجه می‌باشد.

تلاش‌هایی در جهت استقرار یک نظام بین‌الملل کیفری کارآمد در حوزه محیط زیست صورت گرفته است، اما برخلاف توسعه قابل توجه حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیست ظهور و بروز چندانی نداشته است. پیشرفت‌های اندکی که در این حوزه صورت گرفته بیشتر ناشی از تحولات خاص زیست‌محیطی بوده‌اند تا تلاشی منسجم برای درک هدفمند نقش خسارات شدید زیست‌محیطی در پیدایش و توسعه حقوق بین‌الملل کیفری. در زمینه جرم‌انگاری بین‌المللی خسارات شدید به محیط زیست، استدلال‌های قوی مطرح شده است، اما در مورد این موضوع هنوز روشن‌نگری و بلندپروازی لازم وجود ندارد، طوری که جرائم زیست‌محیطی با الهام از جرم نسل‌کشی بنام جرم «زیست‌کشی» شناسایی شود. با تمام این مسائل و محدودیت‌های عنوان‌شده، وجود

شرکت‌ها انجام می‌شود، لذا لازم است سازوکارهای مجازات شرکت‌های بین‌المللی نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

فریده منصورخانی: بررسی متون و منابع، تحلیل مطالب، ارائه پلان و نگارش متن.

سیدباقر میرعباسی: ارائه ایده، تحلیل مطالب، ارائه اطلاعات و ویرایش نهایی مقاله.

ابومحمد عسگرخانی: مرور و بازبینی متن مقاله

مریم مرادی: اصلاح نهایی مقاله

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یک نظام منسجم و یکپارچه حقوق بین‌الملل کیفری در حوزه محیط زیست می‌تواند مکمل سختی برای قواعد نسبتاً نرم و قوام نیافته حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد و در عین حال توسعه و غنای حقوق بین‌الملل کیفری را در پی داشته باشد.

در حال حاضر یکی از نقایص عمده موضوعات محیط زیست فقدان یک دادگاه بین‌المللی محیط زیست جهت رسیدگی به دعاوی و شکایات تابعان حقوق بین‌الملل است. رو تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به تخلفات محیط زیستی، خلأ موجود در حمایت از محیط زیست جهانی را برطرف نموده و به ایجاد وحدت و تمرکز اطلاعاتی حقوقی درباره محیط زیست جهانی کمک شایانی خواهد کرد. دادگاه بین‌المللی محیط زیست می‌تواند مانند دادگاه کیفری بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد یا به طور مستقل تشکیل شود. ایجاد یک دادگاه بین‌المللی انگیزه حمایت از محیط زیست بین‌المللی را تحکیم بخشیده و دسترسی به مکانیسم‌های کارآمد قضایی را در سطح جهانی افزایش خواهد داد. چنین دادگاهی جامعه بین‌المللی را مجبور خواهد کرد تا نسبت به کاهش گازهای گلخانه‌ای اقدام نماید و کشورها از کوچک و بزرگ و اشخاص اعم از دولتی و خصوصی، وقتی سبب نابودی زیبایی‌های طبیعت و ناقص «حق داشتن محیط زیست سالم» می‌شوند، جبران خسارت کرده و یا به مجازات برسند.

از آنجا که حقوق محیط زیست جزء حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و حفاظت از آن جزء ضرورت‌ها و اولویت‌ها به حساب می‌آید نیازمند یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه تحقق مسئولیت کیفری اشخاص در زمینه تخریب محیط زیست هستیم. به جهت اینکه تحقق مسئولیت مدنی در واقع امروزه نمی‌تواند پاسخگوی این ضرورت‌ها و نیاز حفاظت از محیط زیست باشد. در همین راستا بهتر است علاوه بر تصویب قوانین کیفری، نهادهای نظارتی مدرن مثل تشکیل پلیس زیست‌محیطی تقویت بشود و همچنین دادگاه‌هایی اختصاصی در زمینه جرائم زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی بشود، اما نکته‌ای که مطرح است که در بسیاری موارد، جرائم زیست‌محیطی یعنی تخریب‌های زیست‌محیطی توسط

References

1. SaedVakil A, Askari P. The third generation of human rights (rights of solidarity). 1st ed. Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly; 2003. p.263. [Persian]
2. VahdatiRad N, HajiMohammadaliMirza S. Achieving sustainable development within the framework of the right to the environment in the book of Environmental rights (theories and procedures). 1st ed. Tehran: Khorsandi Publishing House; 2008. p.395. [Persian]
3. Habibi MH. Environmental Law. 3rd ed. Tehran: Tehran University Press; 2019. p.89. [Persian]
4. Moulaei A. Basics and Principles of Environmental Sustainable Development in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publications; 2008. p.410. [Persian]
5. Mousavi SF. International Environmental Law. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2010. p.143. [Persian]
6. Touhidi A. The right to peace and the right to the environment in the light of solidarity rights and international law (Proceedings of the International Conference on Human Rights and the Dialogue of Civilizations). 1st ed. Tehran: Mofid University Publishing House; 2013. p.55. [Persian]
7. Grabosky P, Gunningham N. The Agriculture industry in smart regulation designing environmental policy press. London: Oxford; 1998. p.62.
8. Majnounian H. Global strategies and treaties for the protection of nature and living resources. 2nd ed. Tehran: Environmental Protection Organization Publications; 1377. p.342. [Persian]
9. Mousavi SF, Ghiyathian F. Environmental Damage Compensation in International Law. Law Quarterly Faculty of Law and Political Science. 2013; 41(1): 327-346. [Persian]
10. Zamani SQ. Development of International Responsibility in the Light of International Environmental Law. Journal of Legal Research. 2018; 1(1): 44-67. [Persian]
11. Qasemzadeh SM. Basics of civil responsibility. 1st ed. Tehran: Dadgstar; 2018. p.44. [Persian]
12. Sands P. Principles of International Environmental Law-amework-Standards and Implementations. 1st ed. Manchester: Manchester University Press; 1994. p.876.
13. Arashpour A. International Responsibility for Violation of Environmental Obligations. 1st ed. Tehran: Javadane Jangal Publications; 2012. p.62. [Persian]
14. Shambiati H. General Criminal Law. 4th ed. Tehran: Pajang Publications; 2018. p.245. [Persian]
15. Evans T. International Environmental law and the challenge of globalization in law in Environmental Decision-making National-European and international perspectives. 4th ed. London: Clarendon Press Oxford; 1998. p.207.
16. Farahzad M. Human Rights and Environmental Protection. Constitutional Rights Journal. 2018; 11(6): 75-92. [Persian]
17. Thornton J, Beckwith S. Environmental law. 2nd ed. London: Thomson Sweet and Maxwell; 2004. p.4.
18. Vaezi A, HatamiKia M, Fakhrizadeh M. The right to a healthy environment in the third generation of human rights. Tehran: Publications of the Third International Science and Engineering Conference; 2015. p.6. [Persian]
19. SeyedFatemi SMQ. Human Rights in the Contemporary World. 2nd ed. Tehran: Shahid Beheshti University Publications; 2012. p.56. [Persian]
20. Firouzi M. The right to the environment. 1st ed. Tehran: Jihad University Press; 2003. p.54. [Persian]
21. Gray MA. The International Crime of Ecocide. California Western International Law Journal. 1995; 26(2): 215-271.
22. Follesdal A, Houndsmills MM. Sustainable Development State Sovereignty and International Justice in Sustainable Development on the Aims of Development and Conditions of Sustainability. Washington: White Horse Press; 2011. p.70-83.
23. RohtArriaza N. Impunity and Human Rights in International Law and Practice. 1st ed. London: Oxford University Press; 1995. p.89.
24. Cryer R. International Criminal Law vs State Sovereignty another Round. The European Journal of International Law. 2005; 16(5): 979-1000.
25. Waruzi B. Comment on the Review of the Rome Statute. International Law Observer Blog. 2010; 12(4): 71-93.
26. Anderson M. Transnational Corporations and Environmental Damage Is Tort Law the Answer?. Washburn Law Journal. 2002; 41(3): 399-425.
27. Faure M, Cheltenham EE. Towards a New Model of Criminalization of Environmental Pollution the Case of Indonesia in Faure Michael Niessen Nicole Environmental Law in Development Lessons from The

- Indonesian Experience. London: Edward Elgar Publishing Limited; 2006. p.65.
28. Feinberg J. The Moral Limits of the Criminal Law Harm to Others. 1st ed. London: Oxford University Press; 1984. p.65.
29. Ghasemi N. Criminal protection of the environment. Ph.D. Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University; 1999. p.17. [Persian]
30. Dabiri F. Collection of environmental laws and regulations. 1st ed. Tehran: Environmental Protection Organization; 2003. p.17, 320-322. [Persian]
31. Mahdoviani A, Nejat SA. Investigation of the crime of water pollution in the domestic laws of Iran the second national conference on health-environment and sustainable development. Bandar Abbas: Islamic Azad University Bandar Abbas Branch; 2011. p.5. [Persian]
32. Mashhadi A. Laws of air pollution. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publications; 2015. p.87. [Persian]
33. MirMohammad Sadeghi H. Crimes against security and public comfort. 20th ed. Tehran: Mizan Publishing; 2013. p.201. [Persian]
34. Goldouzian I. The Islamic Penal Code. 17th ed. Tehran: Majd Publications; 2012. p.424. [Persian]
35. Keshavarz B. The Collection of Islamic Penal Code 1st ed. Tehran: Ganj-e Danesh; 1999. p.107. [Persian]